

معرفی نسخه خطی حق الیقین استرآبادی و سیری سبک شناسانه در آن

رؤیا امیرپور*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱

مریم محمودی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۴

چکیده

«حق الیقین» یکی از معروفترین آثار استرآبادی (متوفی ۱۳۱۶) است که علاوه بر مباحث اصول دین، مشتمل بر مطالب اخلاقی است و آن را در زمره ادبیات عرفانی دوره قاجار نیز آورده‌اند. اهمیت «حق الیقین» به عنوان نسخه خطی به جهت آن است که تنها یک نسخه منحصر به فرد از آن در دست است. امید است این پژوهش، راهگشای پژوهش‌های دیگر درباره این نویسنده باشد که علاوه بر علو مقام دینی از بزرگان اهل معنا و عرصه عرفان به شمار می‌رود. با عنایت به اینکه کتاب مذکور تا کنون تصحیح نشده معرفی آن می‌تواند باعث شناساندن یکی دیگر از مفاخر ادبی ما در قرن سیزدهم هجری گردد. نگارنده در این پژوهش، ابتدا به معرفی نسخه خطی «حق الیقین» و ویژگی‌های رسم الخطی آن، پرداخته است. در ادامه، ضمن معرفی نویسنده اثر، جایگاه علمی وی را بیان کرده است. نویسنده در پایان، ویژگی‌های سبک‌شناسی این اثر را در سه ساختار زبانی، فکری و بلاغی بررسی کرده است.

کلیدواژگان: نسخه خطی، حق الیقین، استرآبادی، سبک‌شناسی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. m.mahmoodi75@yahoo.com

نویسنده مسئول: مریم محمودی

مقدمه

بررسی نسخه‌های خطی یکی از پژوهش‌های ارزشمندی است که می‌توان برای تعالی زبان و ادبیات فارسی انجام داد و تصحیح آثار ناشناخته و بکر کاری ضروری است. نسخه خطی «حق‌الیقین» اثر علی بن محمد جعفر استرآبادی از همین گونه آثار است که باید مورد توجه و تصحیح قرار گیرد. علی فرزند محمد جعفر فرزند سیف‌الدین استرآبادی، معروف به شریعتمدار، متولد روز دوازدهم شعبان ۱۲۴۲، طبق آنچه در کتاب «بُرد الیمانی» نوشته، از مشاهیر علما و فقهای شیعه است. شیخ آقا بزرگ تهرانی، درباره ایشان می‌نویسد: «او از علمای بزرگ معقول و منقول و از مؤلفان پیرامون فروع و اصول دین است. معضلات علمی را حل و مجهولات زیادی را کشف کرده است. دستگاه‌ها و ابزارهایی را اختراع نموده است و دارای کمالات معنوی و ورع و تقوا بوده است» (تهرانی، ۱۳۲۲: ۳۴۲).

خاندان ایشان، اصلاً از روستای نوکنده گرگان بودند و پدرش نیز - که به شریعتمدار معروف بوده - در زمره علمای بزرگ شیعه به شمار می‌رفت. «آل شریعتمدار»، «آل استرآبادی» یا «آل سیف‌الدین»، از خاندان‌های فضل و فقاقت و زعامت در ایران و کربلا بوده‌اند. فرزند شیخ سیف‌الدین استرآبادی، مشهور به شریعتمدار، از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم است. در بیست سالگی، پدرش فوت کرد و در این مدت، خدمت آن مرحوم تلمذ می‌کرد و مکرراً در حق ایشان می‌فرمود: «شیخ علی مجتهد یا قریب الاجتهاد است».

پس از وفات پدرش با اینکه می‌توانست به جای او در مصدر امور قرار گیرد و موقعیت و منصب خوبی در تهران داشته باشد، بدون توجه به این موقعیت به عتبات عالی عراق رفت و در حوزه درس علمای بزرگ آن دیار، به‌ویژه درس آیه الله محمد حسن نجفی وارد شد و پس از فوت او در محضر درس حاج شیخ مرتضی انصاری حضور یافت تا اینکه پس از اخذ درجه اجتهاد به تهران مراجعت کرد (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۴، ۱: ۸۵ و ۸۶). شیخ علی شریعتمدار، در شب ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۱۶ فوت کرده و در جوار قبر شریف حضرت عبد العظیم حسنی مدفون شده است.

پیشینه تحقیق

از «حق‌الیقین» استرآبادی، تنها یک نسخه خطی موجود است که تصحیح آن، موضوع رساله نگارنده است و بالطبع پژوهشی روی این نسخه و ویژگی‌های سبکی آن صورت نگرفته است. در خصوص زندگی و آثار نویسنده حق‌الیقین، مطالبی در کتب تذکره آمده است که به اهم آن اشاره می‌شود:

شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب‌های «الذریعة» و «دائرة المعارف» تشیع ذیل عناوین علی استرآبادی و علی شریعتمدار به بیان زندگی و معرفی برخی از آثار استرآبادی پرداخته است. مدرسی تبریزی نیز در کتاب «ریحانة الأدب»، بخش‌هایی از زندگی استرآبادی را بررسی کرده است.

معرفی نسخه خطی حق‌الیقین

تنها نسخه خطی کتاب «حق‌الیقین» در کتابخانه آیه الله مرعشی قم با شماره ۳۸۶۸ نگهداری می‌شود. این اثر را مؤلف به خط نستعلیق در ۲۱۰ صفحه سیزده سطری نگاشته است. این نسخه، رساله مختصری مشتمل بر اخلاق و عقاید حقّه و تفسیر آیات و مرتّب بر سه مشرب است و هر کدام دارای ابواب و مطالب است (منزوی، ۱۳۹۴: ۲۷۵). مؤلف، این کتاب را مشتمل بر چندین باب در مباحث عرفانی و اخلاقی نوشته است. وی در ابتدای ابواب و فصول به تعریف اصطلاحات عرفانی پرداخته است. از خصوصیات برجسته کتاب، آوردن آیات و احادیثی است که مؤلف، سخنان خود را متناسب با مطلب مورد بحث، بدان‌ها آراسته است و در بعضی موارد، به شیوه‌ای ساده و لطیف توضیح و تفسیری در باب آن‌ها می‌افزاید.

گاهی نیز ترجمه فارسی آیه یا حدیث را بلافاصله بعد از آوردن آیه یا حدیث، ذکر می‌کند. نکته شایان ذکر دیگر این است که هرگز واژه‌های عربی ثقیل در متن به چشم نمی‌خورد و آنچه از واژه‌های عربی مورد استفاده مؤلف قرار گرفته، واژه‌های مأنوس و متداول آن دوره است.

مؤلف، حکایات و اشعار و ضرب‌المثل‌هایی را از منابع مختلف، فراخور مضمون متن به نسخه اضافه کرده که به زیبایی و رسایی بیش‌تر مطلب افزوده است.

از جمله ویژگی‌های دیگر نسخه، این است که نویسنده منابع مورد استفاده خود را در متن کتاب بیان می‌کند. مثلاً می‌گوید در «اصول الکافی» این حدیث آمده یا در «بحار الأنوار»، فلان حکایت ذکر شده است. مؤلف، از منابع بسیار موثق، مانند قرآن، نهج البلاغه، «بحار الأنوار»، «اصول الکافی»، احادیث قدسی، «مثنوی» مولوی و ... بهره برده است.

دیباچه کتاب با مقدمه‌ای مسجع، منشیانه و براعت استهلالی زیبا که تناسب هنرمندانه با موضوع اصلی کتاب دارد آغاز می‌شود، و در طی آن به ستایش خداوند و رسول مکرم اسلام می‌پردازد و مؤلف در ادامه انگیزه خود را از تألیف کتاب بیان می‌کند «که شریعت نبویه را پایمال و نامطلوب دیدم و... اراده کتابی نمودم که مشتمل بر بعضی اخلاق به طریق اشارت عبارت پس از آن بیان عقائد حقه موافق عقل و نقل باشد». در ابتدای نسخه معلوم می‌شود که با کتابی اخلاقی - عرفانی روبه‌رو هستیم. در ابتدای نسخه، مؤلف به محتوا و فصل بندی آن اشاره می‌کند: فصل اول در اخلاق، فصل دوم در عقاید، و فصل سوم پاره‌ای از آیات مشتمل بر نصایح.

فصل اول که در نسخه (مشرّب اول) بیان شده دارای یک مقدمه و سی باب است که هر کدام از باب‌ها مشتمل بر دو فصل است، فصلی در خلق سببی و فصلی دیگر در ضد آن شامل جهل و یقین، شک و توحید، کراهت و محبت، امن و خوف، فراموشی معصیت و محاسبه، معصیت و توبه، ریا و اخلاص، وسواس و اعتدال، دنائت و همت، عجب و خفص، غنا و فقر، حرص و قناعت، کذب و صدق، حب جاه و ترک‌اش، غرور و عدم‌اش، خوف و اطمینان، یأس و رجاء، اعتراض و تسلیم، بی‌اعتمادی و توکل، کفران و شکر، جزع و صبر، غضب و حلم، بخل و سخا، حسد و نصیحت، ظلم و عدل، سکوت و امر به معروف، عقوق والدین و بر مدح، قطع رحم و صلّه، ترک وجوه بر و فعل آن.

فصل دوم شامل پنج مقدمه است که هر کدام از مقدمه‌ها دارای چند اعتقاد و مطلب در باب همان مقدمه و اثبات آن است. مقدمه اول در بیان آنکه بر هر کسی تحصیل دین واجب است که سبب رسیدن به فوز ابدی و نعیم سرمدی می‌باشد. مقدمه دوم: تقلید در دین جایز نیست بلکه در فروع دین نیز تقلید جایز نیست و تا ممکن است باید اجتهاد کرد خداوند قوه اجتهاد را به همه داده تا به معرفت برسند. مقدمه

سوم: به قدر مقدور باید محض از عقل و نقل کرد و آیات بسیاری که دلالت می‌کند بر وجوب تحصیل علم و آنچه که متعلق بدین است. مقدمه چهارم: فرق میان اسلام و کفر و متعلقات آن است در این فصل به انواع کفر نیز اشاره می‌کند. مقدمه پنجم: فرق میان مسلم و کافر است، مؤلف برای مقدمه پنجم پنج باب ذکر می‌کند که به ترتیب زیر هستند:

باب اول: توحید

باب دوم: در عدل (بیان می‌کند که کارهای خداوند عالم نه بر وجه افراط است و نه بر وجه تفریط)

باب سوم: در نبوت (و آن در اصطلاح عبارت است از ارسال رسل و نصب کتب و شرایع و متعلقات آنها)

باب چهارم: در امامت (و آن در اینجا عبارت است از رئیس بودن بعد از پیغمبر آخر الزمان بر جمیع انس و جان از جانب پیغمبر و خداوند عالمیان). همچنین مؤلف در این باب به امامت دوازده امام شیعیان از امام علی (ع) تا مهدی موعود اشاره می‌کند و برای هر یک از آن بزرگواران معجزاتی بیان می‌نماید.

باب پنجم: در معاد است (و آن عبارت است از برگرداندن روح به بدن از جهت جزا دادن به سبب اعمال یا ترک آن).

مشرب سیم (فصل سوم) نسخه شامل آیاتی است با مضمون پند و نصیحت که مؤلف آنها را تفسیر باطنی کرده است. در چند فصل ابتدا آیه‌ای را بیان می‌کند، سپس به تفسیر آن می‌پردازد.

در آخرین صفحه نسخه به سال فوت مؤلف اشاره شده است: «در سنه یکهزار و سیصد و شانزده هجری در شب بیست و ششم شرعی جمادی الاولی روح کثیر الفتوح آن بزرگوار به شاخسار جنان پرواز نموده».

ویژگی‌های رسم الخط نسخه

- حرف اضافه «ب» به متمم متصل شده است و به صورت سرهم نگاشته شده مانند: بغیر (به غیر) - عبادت (به عبادت) - بعزت (به عزت) - بمقتضای (به مقتضای)

- در برخی موارد «ة» به جای «ت» در آخر کلمات ثبت شده است مانند: علة (علت) - حقیقة (حقیقت) - بجهة (بجهت) - غایة (غایت)
- در سرتاسر نسخه «ک» به جای «گ» کتابت شده است مانند: گفت (گفت) - بازگو (بازگو)
- را نشانه مفعولی به مفعول متصل شده است مانند: ایشانرا - پاسبانرا - آنرا - کاینرا
- کلماتی که باید با «الف» مدّدار آغاز شوند در برخی قسمت‌های نسخه بدون مدّ آمده است مانند: امد (آمد) - آنچه (آنچه) - آوردم (آوردم)
- «یک» به کلمه بعد از خود وصل شده است مانند: یکنفر - یکچیز - یکحرف
- علامت جمع «ها» به اسم قبل از خود متصل شده است مانند: نعمتها - حکمتها - آسمانها
- دو پیشوند «می» و «نمی» به فعل بعد از خود چسبیده‌اند مانند: میکنیم - مینمود - نمیکنیم - می‌شمارند
- پیشوند «بی» به صورت متصل کتابت شده است مانند: بیحساب - بیشمار - بیمروت
- در نسخه، واژه آغازین صفحه بعد در حاشیه پایین متن نوشته شده است. این امر از ویژگی‌های کتابت نسخه در این دوران محسوب می‌شود.
- جدا نوشتن «بای» تأکید و «نون» نفی از فعل مانند: به بین - نه سنجیده - به بخشد - نه بیند
- ی اضافه یا «ة» بعد از کلماتی که مختوم به «ه» غیر ملفوظ‌اند و مضاف واقع شده‌اند نیامده است مانند: گوشواره عرش خداوند عالمیان (گوشواره عرش)
- دو اسم اشاره این و آن به کلمه بعد از خود متصل شده‌اند مانند: آنخانه - آنحضرت - اینمطلب - در اینصورت
- کلماتی که «واو» معدوله دارند بدون آن کتابت شده‌اند و بالعکس مانند: خواطر (خاطر) - برخواست (برخواست) - خورسند (خورسند)

- گزاردن به مفهوم «به جای آوردن» به صورت گذاردن کتابت شده است مانند: هرون خوشنود شد و بنای خنده گذارد
- برخی از اسامی خاص با نگارشی متفاوت از نگارش امروز ضبط شده‌اند مانند: هرون(هارون)- اسمعیل(اسماعیل)- توریه(تورات)- قیمت(قیامت)
- ابیات توسط کاتب به صورت منظم نوشته شده و بین مصرع بیت‌ها درون متن سه نقطه آمده است.
- اتصال ای ندا به منادا مانند: ای‌مرد
- اتصال «ب» اضافه به متمم، مانند: «و در آن آتش فراوان نموده انسان در این معلق باشد و ریسمانی باو بسته باشند»
- استفاده از همزه بدل از ای نکره مانند: «آمدند گفتند دوازده پسر در زیر سقف خانه ماندند و خانه خراب شد»
- کلمات مختوم به «هاء» بیان حرکت اگر با «گان» جمع بسته شوند «هاء» حذف نمی‌شود مانند: بیچاره‌گان- بنده‌گان- جمع کننده‌گان- برگزیده‌گان
- نقطه گذاری حروف در اکثر موارد رعایت شده مگر در مواردی اندک مانند کلمه «بیش» که کاتب نقاط (ب) و (ی) را به صورت (پ) کتابت کرده است
- در برخی موارد «نه» به جای فعل «نیستی» به کار رفته است مانند: «از عجب و تکبر و غرور شیطان فارغ نه‌ای پس اگر دست در اذیت صرف کنی شاکر نه‌ای»
- کتابت کلمات به صورت متصل در برخی موارد به چشم می‌خورد. مانند: اینمطلببر(این مطلب را)- پاسبانرا(پاسبان را)- بهزدنیا(به ز دنیا)- باینطریق(به این طریق)

جایگاه علمی شیخ علی استرآبادی

شیخ علی استرآبادی صاحب تحقیقات عمیق و دقیق و بسیار متقی و محتاط بوده است. او به جهت کثرت ورع و احتیاطی که در امور دینی داشته، ضرب‌المثل بوده، به طوری که گاهی نسبت و سواسی به او می‌دادند. استرآبادی از شاگردان بزرگ «صاحب ریاض» به شمار می‌رفت. سال‌ها در کربلای معلّا با عزّت و احترام تمام می‌زیست تا

موقعی که این شهر توسط د/وود پاشا محاصره گردید. در این زمان، به تهران مهاجرت کرد و حدود بیست سال به تدریس و اقامه نماز و فتوا و قضاوت اشتغال داشت. حاجی کرباسی با اینکه بعد از حاج سید محمد باقر حجّة الإسلام رشتی، اجتهاد کسی را تصدیق نمی‌کرد؛ اما اجتهاد شریعتمدار را تصدیق کرده بود و حکم‌هایی را که وی صادر می‌کرد، تنفیذ می‌نمود. وی در ادبیات، ممتاز بود و در تقریر و نویسندگی، تبخّر ویژه‌ای داشت. به گفته نویسندگان کتب رجال، شریعتمدار، در حدّت ذهن و هوش، از نوادر بود و غیر از علوم دینی با رشته‌های فنی نیز آشنایی داشت. با این همه، از مردم گوشه می‌گرفت و بیش‌تر وقت خود را به تألیف کتاب می‌پرداخت (تهرانی، ۱۳۶۹: ۱۰۵).

شیخ علی شریعتمدار، خودش را در اوّل اکثر تألیفاتش، سیف‌الدین لقب داده است. او اشعاری به زبان عربی و فارسی سروده و دارای قصیده‌ها و منظومه‌های علمی فراوانی است و در شعر فارسی، «خوشدل» تخلص می‌کرد (همان). در «ریحانة الأدب»، درباره او چنین آمده است: «شیخ علی بن محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی معروف، از فقها و دانشمندان بوده و مانند پدرش تألیفاتی داشت که از آن جمله است: «أنیس الغرب»؛ «بحر الدرّ در علم نحو»؛ «الرقوق العامّة»؛ «بوستان منظوم پارسی در تجوید»؛ «غایة الآمال فی علم الرجال»؛ «نهایة الآمال» و چندین اثر دیگر» (مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۱۹-۳۲۰).

همچنین آقا بزرگ تهرانی، درباره او نوشته است: «رساله مختصری در رجال دارد که در آن، رجال حدیث را به روشی بسیار مختصر به ترتیب حروف تهجّی، گرد آورده و برای نام کتاب‌ها و مؤلفان آن‌ها رموزی تنظیم کرده و برای اختصار، نام اشخاص را تکرار نکرده است؛ بلکه به نام اوّل آن‌ها تصریح نموده و در ذکر بقیّه هم‌نام‌ها به «ابن...» اکتفا کرده است. خود مؤلف در مقدمه، درباره کتاب‌اش چنین گفته: «آن مختصر لفظاً غایتیّه و مطوّل معنی نهایتیّه». مؤلف، این کتاب را در سال ۱۲۶۶ق، تألیف نموده و پس از آن، به امر ناصرالدین شاه قاجار، در آن تجدید نظر نموده و مطالبی بدان افزوده و روز شنبه ۶ شعبان ۱۳۰۳ق، بازنگری آن را به پایان رسانیده است. استرآبادی علاوه بر این کتاب، سه رساله دیگر در رجال به نام‌های «منتهی الآمال»، «غایة الآمال» و «المبدأ والمآل» دارد که در ذیل عنوان‌های خود، معرفی می‌شوند. همچنین مؤلف، دو رساله در درایه به

نام‌های «مبدأ الآمال» و «منتقى الآمال» تألیف کرده است» (تهرانی، ۱۳۶۹، ج ۱۱: ۲۵۱ و همو، ۱۳۲۲: ۳۲۴).

نویسنده کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان»، درباره او چنین می‌نویسد:

«وقتی که جمعیت و عیال زیاد شد، به خیال کسب و کار افتاد، اختراع تفنگ ته پُر و ساعتی که به اسم شب کوک بود، کرد که هر کس آن اسم را بداند، بی‌خطر بگذرد؛ و آلا به چنگ ساعت گرفتار شود. آن ساعت را در دزاشیب شمیران ساخت که همه رجال دولت مشاهده کردند تفنگ ته پُر را. وقتی که داد به ناصرالدین شاه پادشاه، اول ملتفت نشد و خود آن مرحوم گرفت و فشنگ را گذارد و خالی کرد. پادشاه، از خوشحالی از جای برخاسته و گفت: این آقا از ابو علی سینا گذرانیده است. ناصرالدین شاه، تفنگ را گرفته به خارج فرستاد. پس از یکی دو سال، دو تفنگ مثل آن از خارج آوردند. ناصرالدین شاه، یکی را برای آن مرحوم فرستاد. چشم آن مرحوم که به تفنگ افتاد، دنیا در نظرش تیره و تار شد و از روی تأسف و تحسّر، دست بر دست زد و به گریه افتاد که: ای وای! من خواستم خدمتی به اسلام کنم. حالا معلوم شد چوب به دست دشمن دادم. ناصرالدین شاه، ملتفت شد که بد کرده است. در مقام اعتذار برآمد. آن مرحوم گفت: می‌توانم کالسکه‌ای اختراع کنم که او را کوک کنند، یک فرسخ راه را طی کند. آن وقت چند دقیقه بایستد، از چهار طرف، درهای آن باز شود و از هر طرفی، چند گلوله توپ خالی شود. آن وقت، درهای آن بسته شود و به مکان خود برگردد؛ لکن اظهار این صنعت وقتی خواهد بود که پادشاه، تهپّه قشون خود را دیده و متقبل شود که با یکی از دول دشمن، جنگ کند و لااقل شهرهای ایران را پس بگیرد. ناصرالدین شاه گفت: ما جز رعیت با کسی جنگ نداریم و به اندازه آن‌ها هم توپ داریم. لذا دماغ آن مرحوم، سوخته و رفت در مازندران و در آنجا مشغول رعیتی و زراعتی شد و در خیال بود که بعضی از اسباب‌ها و آلات زراعت، اختراع کند... [این دانشمند والاقدّر، علاوه بر اختراع دستگاه‌هایی که گفته شد، اختراعات

دیگری هم داشته است که از اختراعات آن مرحوم به قبله‌نمای معروف که هم قطب و هم قبله را نشان می‌داد و هم ظهر و هم درجات را معین می‌نمود[...]. آن وقت که مخترعات ایشان به دست خارجه افتاد، روانه عتبات شد. در آنجا باز محرک ایشان شدند که او را به اروپا ببرند و پول هم به قدر ششصد تومان به ایشان دادند که بروند استامبول. وعده دادند که بیایند تهران و از تهران بروند. پس از آنکه آمدند به تهران، مرض یا تمارض مانع ایشان گردید و به حال فقر و پریشانی از دنیا رحلت فرمود و راضی نشد که اعمال اش به دست خارجه بیفتد» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۴۵-۱۴۸).

آثار منتشرشده/استرآبادی عبارت‌اند از «دُر نثار» و «بوستان». «دُر نثار» شرح منظومه «بوستان» تألیف خود شیخ علی/استرآبادی شریعتمدار است. «بوستان» نیز شرح منظومه مَلّا مختار قاری/اعمی اصفهانی در تجوید به نام «درج المضامین» است و در یک مجلد به چاپ رسیده است.

بررسی سبک شناسی حق الیقین

۱. ساختار زبانی (آوایی، لغوی، نحوی)

الف. سطح آوایی

موسیقی بیرونی و درونی و مسائل کلی مربوط به تلفظ مانند ابدال، اماله، تخفیف و... بررسی می‌شود. آنچه خصوصیات زبانی یک اثر ادبی را مشخص می‌کند عبارت است از ویژگی‌های آوایی واژک‌ها، واژگان، گروه‌های اسمی و فعلی و جمله و ارتباط مؤثری که بین اجزاء موجود دارد. آواها در شکل و محتوای متن تأثیرگذارند. در علم زبان‌شناسی «آوا» در حقیقت امواج هواست که خود نوعی ماده محسوب می‌شود. آواشناسی توانایی کلی انسان را در زمینه تولید و دریافت آواهایی که در زبان به کار می‌رود توصیف می‌کند (حق‌شناس، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲). اما در ادبیات منظور از سطح آوایی سطح موسیقایی متن است و تکرار برخی صامت‌ها و مصوت‌ها می‌تواند در این زمینه نقش‌آفرین باشد. در این اثر نیز همانند دیگر آثار تغییرات آوایی دیده می‌شود و این نشان‌گر تغییر و تحول دائمی

زبان است. فرآیندهای ساخت هجا به آن دسته از عملکردهای آوایی درون هجایی گفته می‌شود که بر اثر آن به‌ویژه در بافت پیوند تکواژه‌ها سازنده واژه مشخصه‌های صوتی صداها و نیز توزیع آن‌ها در درون هجاهای سازنده واژه تأثیر می‌گذارد (مشکوة الدینی، ۱۳۸۴: ۱۳۰) بدین معنی که بر اثر فرآیندهای یادشده ممکن است صامتی یا مصوتی از یک هجا حذف و یا در آن وارد شود یا دو صدا در یک بخش آوایی باهم آمیخته شوند هر یک از فرآیندهای یاد شده می‌تواند در ساخت هجا تغییری پدید آورد. هر کدام از این تغییرات هجایی تحت عنوان حذف، افزایش، تبدیل و جبه‌جایی (قلب) راهمراه با شاهد می‌آوریم.

سجع

«سرفرازان صاحبان شجاعت و دانشمندان میدان فصاحت و بلاغت و پیشروان سپاه غضب» (نسخه ص ۳)
«عملی مکنی که اولش محض زحمت باشد و آخرش جز حسرت نباشد» (نسخه ص ۷)

جناس

«خلق خالق را به خود دشمن کند» (نسخه ص ۷)
«لا اقل بعد از این زحمتها رحمت‌های خداوندی شامل حالش شود» (نسخه ص ۷)
«عین خبائث بر دنیای خبیث انداختن منافی عدالت است و دست از تو برداشتن و بقدر قابلیت اقامه نکردن دور از فیاضیت» (نسخه ص ۱۴)
«پس اگر و بخلاف آن کشی محل لعن و طعن خواهی شد» (نسخه ص ۳۲)

حذف

«ایضاً مروی است که در قیمت ریا کن را بچار اسم ندا می‌کند، می‌گویند ای کافر ای فاجر ای غادر ای خاسر اجرت در نزد ما ضایع است برو مزدت را از کسی بگیر که از برای او عبادت کردی» (نسخه ص ۲۱)

ابدال

«روزی مرد پیری خدمت آن جناب رسید در حالی که گریان بود عرض کرد یابن رسول الله والی مدینه امر کرده است پسر مرا از کوه برد کنند به دادم برس که پسر شدم بجز یک پسر کسی را ندارم» (نسخه ص ۱۶۷)

ب. سطح لغوی

کاربرد لغت ترکی

«نشود روایت است ابراهیم از خُلق ساره بخدا شکایت کرد فرمود زن مثلاً استخوان قبرغه است اگر راستش کنی بشکند اگر بجاش گذاری عیبش کنی» (نسخه ص ۸۲)

کاربرد فراوان لغات و ترکیبات عربی

کتاب «حق الیقین» کتاب عرفانی اخلاقی است و از آیات و احادیث عربی فراوانی بهره برده است، اما نویسنده سعی کرده به موجزترین و شیواترین زبان مفاهیم ناب را به مخاطب انتقال دهد، اما لغات عربی در جای جای کتاب دیده می‌شود حتی در مواردی که می‌توانست از لغات فارسی معمول استفاده کند لغات عربی را ترجیح داده است. مانند جمله‌های معترضه عربی که در متن نسخه به کار برده است.

«به درود و سلام ختم رسل محمد صل الله علیه و آله و آل پاک آل نمودم تا سبب جلاء باطن و توفیق هدایت و اهتدا گردد یمن الله و کرمه» (نسخه ص ۳)
«معنی علم الیقین و عین الیقین در باب اول از مشرب اول بسط تحریر درج خواهد شد بعون الله تعی شانه» (نسخه ص ۳)

تلفظ خاص اعداد: بکار بردن سیم بجای سوم و دویم بجای دوم

«سیم آنکه خورسندیش نه از جهت لذت دنیا باشد بلکه از جهت مقدمه رضا و قرب بجوار منعم باشد» (نسخه ص ۶۵)
«دویم آنکه فضیلت ابتلای در دنیا را بداند و فکر در اخباری که در این خصوص وارد است نماید از رسول خدا است گاهست خدا می‌خواهد بنده را بمرتبه رساند که به عمل نتوان رسید» (نسخه ص ۶۸)

ج. سطح نحوی

- کاربرد فعل در معنی اصلی یا کهن مانند نمودن که در این موارد اکثراً فعل پیشوندی است و در بیش‌تر موارد به معنی متأخر یعنی «کردن» به کار رفته است. مانند:

«پس باید اولاً اعتقاد کاملی نمود به معاد که سبب اعتقاد به خدا است»

(نسخه ص ۱۰۰)

«اخبار و آیات بسیارند از تمین آیه و حدیثی نقل نمودیم» (نسخه ص ۱۰۱)

- مقدم آوردن فعل بر متمم فعل و مفعول:

«کار اختیار چیست؟ فرمود که تسامح می‌کنند اهل معاصی را» (نسخه

ص ۸۷)

- «نه» در نقش قید نفی (یعنی نه که فعل را منفی می‌کند):

«و این نطفه سر کثیف نه قابل آنست که وحی خداوند بدو رسد» (نسخه

ص ۱۰۰)

- فاصله بین اجزای فعل مانند:

«چندین هزار اختیار ایشان را خواهم عذاب کرد» (نسخه ص ۸۷)

- کاربرد افعال با پیشوندهای «در- بر- باز- فرو»:

«و چیزها باینطریق که جز او را در امورات سببی نداند و دیگری را به نظر

درنیورد و دائماً او را در نظر داشته باشد» (نسخه ص ۹)

«نقل است روزی عیسی (ع) با یکی از اصحاب بسیاحت می‌رفتند تا به

دریایی رسیدند عیسی بسم الله گفت و برآب گذشت آن شخص نیز چنین

کرد و بر روی آب می‌رفتند تا آن شخص در دل گذرانید که چه فرق است

میان من و عیسی در آب فرو رفت پناه به عیسی برد بیرونش آورد و توبه

کرد» (نسخه ص ۳۱)

«پس طبق خرمائی خواستند یکی از خرماها را میل فرمودند و تخم آن را

در زمین فرو بردند ناگاه سبز شد و درخت شد و خرما آورد» (نسخه

ص ۱۵۹)

- کاربرد «را» در معنی «به» مانند:

«می‌خواهم موسی را در نزد بنی اسرائیل رسوا کنم پس زن فاحشه را دو

کیسه زر دادند...» (نسخه ص ۹۸)

- کاربرد «را» در معنی «برای» مانند:

«در وقت ترس به خود خنده زند که این کار اطفال است عاقل را ترس از

چیز موهوم عار است» (نسخه ص ۵۳)

- کاربرد «با» در معنی «به» مانند:

«مرویست که امام زین العابدین با امام محمد باقر(ع) وصیت فرمود که ای

فرزند ظلم مکن بر کسی که جز منتقم حقیقی کس نداشته باشد» (نسخه

ص ۸۰)

- کاربرد «از جهت» به جای «برای» مانند:

«دوستی آنها در جهت منفعت در آخرت از قبیل حسنات مفوضه فی الواقع

دوستی قرب الهی نه از راه طبیعت و منفعت ایشان هم از جهت حقوق

الهییه می باشد نه از جهت طبیعت و ایشان فی نفسه به تو نفعی نرسانند

پس بیچاره دوست دار کسی را که ایجادت نمود که از جهت اینکه به تو

نفعی بخشاید» (نسخه ص ۱۲)

- کاربرد فراوان یای استمرار:

«چنانچه پیغمبران از محبت او حیران و از شوق دوستی او سرگردان

بودندی» (نسخه ص ۱۰)

«کاش مرا هزار اسمعیل بودی فدای دوست نمودندی» (نسخه ص ۱۱)

کاربرد افعال کهن

«بدرستی که خداوند در روز جزا به اهل آن غضبناک شده می فرماید بروید

جزای خود را از کسانی که برایشان عبادت کردید بستانید» (نسخه ص ۲۰)

۲. ساختار بلاغی

ساختار بلاغی در بردارنده تمام مؤلفه های بدیع معنوی و بیان است. زبان ادبی، زبانی

است مخیل و تصویری، یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و کنایه و... (شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۸)

نثر این کتاب از آرایه های لفظی و معنوی خالی است و مقصود مؤلف تنها انتقال مفاهیم

اخلاقی عرفانی بوده است اما به طور خلاصه مسائل ادبی کتاب در این موارد خلاصه

می شود:

تشبیه

«عقل داری بدست خود خود را به آتش حسرت مسوزان هرکاری می کنی فکر کن و با فکر کن تا می توانی نفع را مقدم بدار» (نسخه ص ۶)

«دین شان چون شاخه بید در باد تند هر لحظه به طرفی مایل به صراط مستقیم نه با وجود این خود ار از اهل معارف می شمارند» (نسخه ص ۴۷)

«اگر گوییم صبر در معصیت یعنی در وقتی که آتش شهوت شعله ور گردد صبر کنی و پیرامون معاصی نگردی ممدوح است و اگر گوییم صبر در معصیت یعنی زمانی که گرگ طبیعت بنای دریدن کلبه ایمان گذارد صبر کنی و دفعش ننمایی این صفت بسیار مذموم است» (نسخه ص ۷۱)

«روزی اسمعیل از شکار آمد پدر قد سرو و جمال چون ماهش را مشاهده نمود بسیار خوشش آمد» (نسخه ص ۱۱)

تلمیح

«کثرت محبت الم دوست را پنهان دارد بلکه در وقت فرا گرفتن محبت احساس المی نکند و اگر ادراکی کند بآن خورسند است مثل معالجات دردناک که اگر بسیار شائق شود درک آن نیز نکنند نشنیدی اهل مصر چهارماه بجمال یوسف اکتفا کردی و غذا نخوردی و زنان دستهای خود بریدندی» (نسخه ص ۵۹)

تنسیق الصفات

«افتتاح کلام را پس از تسمیه به نام پاک ذات ذی الجلال و تمحید صاحب هر صفت کمال و جمال و جلال به مفاد "لَا تَدْعُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" و "إِنْ كَانَ بَعْدَهُ شِعْرٌ" بلکه به مضمون "کیف رجوتم أن یتّم هذا و لیس فیہ استثناء؟ انظروا إلی کلّ موضع لا یکون فیہ استثناء" اگرچه استثناء نیست...» (نسخه ص ۳)

ارسال المثل

«کاری کند نفعی باو بخشد عروسی پسر تو را چه ثمر بخشد بلکه شاید سبب لعن همیشگی بدل ابدیت گردد» (نسخه ص ۵۲)

«فکر کند هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می‌دهند»

(نسخه ص ۶۹)

۳. ساختار فکری و محتوایی

کتب عرفانی و اخلاقی در زبان و ادبیات فارسی از جهت حفظ فرهنگ و میراث عرفانی اسلامی دارای جایگاه بسیار ویژه و ممتازی هستند. یکی از دوران‌های پررونق در زبان و ادبیات فارسی دوران حکومت قاجار بر ایران است این دوران از جهت آفرینش آثار منظوم و منثور، بسیار پر بار است در این عصر آثار متعددی در حوزه‌های گوناگون تاریخ، تذکره، سفرنامه و کتب عرفانی و... نگاشته شده شد (آرین پور، ۱۳۸۷، ج ۱) که در نوع خود بسیار ارزشمند و کم نظیرند و گاه نقطه شروعی برای پدید آمدن آثار از نوع خود محسوب می‌شوند. همچنین موقعیت دینی و مذهبی در دوران قاجار به گونه خاصی است، یعنی کشور رنگ کاملاً مذهبی دارد و شاهان قاجار چهره مذهبی خود را روز به روز نمایان تر می‌کنند. نگاهی به فعالیت‌های پادشاهان قاجار نشان می‌دهد که آن‌ها در مجموع گرایش‌های دینی داشته‌اند، و با انجام فرایض دینی و ساخت و بازسازی مکان‌های مذهبی و احترام به مقامات روحانی اضرار دینداری و خداشناسی می‌کردند و آیین محمدی و مذهب تشیع دین پذیرفته شده ملی ایرانیان است، و نویسندگان دوران قاجار از جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد که در آن اسلام با تشیع عجین شده و به صورت پایه استوار برای تبیین اندیشه‌های جامعه در آمده است پس نویسندگان تلاش می‌کند به طور مستقیم یا غیر مستقیم با رویکردی هنرمندانه این اندیشه‌ها را در آثار خود نشان دهند.

«حق الیقین» هم کتابی عرفانی- اخلاقی است که در همین دوره نوشته شده است. همانطور که از محتوای نسخه برمی‌آید/سترآبادی شیعه اثنی عشری است. وی با ذکر حکایات متعدد و در بعضی موارد شرح برخی خرق عادات توسط امام معصوم توجه و علایق خود را نسبت به امامت و اهل بیت نشان داده است. نویسندگان مضامین عرفانی بهره برده است به طوری که تعداد زیادی از داستان‌های روایی حاوی مسائل عرفانی و صوفیانه است او برای تصدیق افکار خود به قرآن حدیث گفته‌های پیامبر و ائمه اطهار رجوع می‌کند. از متن کتاب استنباط کرد که/سترآبادی آشنایی کامل با آرای فرقه‌های

مختلف مانند معتزله، ملامتیه و مجسمه و... داشته و در مورد آن‌ها به بحث و بررسی می‌پردازد.

الف. مسأله وحدت وجود

نظریه وحدت وجود یکی از پیچیدگی‌های اندیشه بشری است. تقریر عرفانی این نظریه بر این اساس استوار است که جز یک موجود حقیقی که همان خداست موجود دیگری در سرای هستی یافت نمی‌شود و هر چیز دیگر تجلی و ظهور اوست (کاکایی، ۱۳۸۱). عقیده وحدت وجود و اتحاد خالق و مخلوق و تجلی وحدت در کثرت و توحید و اسماء و افعال است؛ برخی از عرفایی که مسلک عاشقانه دارند معتقد به اتحاد بین عاشق و معشوق هستند. آنچه تصوف را بر اساس عشق و محبت استوار می‌سازد عقیده به «وحدت وجود» است بدان جهت که عارفان خدا را حقیقت ساری در همه اشیا می‌شمارند و ماسوی الله را عدم می‌دانند یعنی جز خدا چیزی نمی‌بینند. در واقع توحید عرفان به معنی وحدت وجود مقوله‌ای بااهمیت است که بر اساس آن تنها یک حقیقت وجود واقعی دارد و پدیده‌های دیگر همه مظاهر و تعینات آن حقیقت‌اند (فریدی و تدین، ۱۳۹۲: ۱۱). «وحدت وجود» اساسی‌ترین اندیشه حاکم بر ذهن/ استرآبادی است معتقد است که هستی حقیقی یگانه و یکتاست و هیچ گونه کثرت و تعدد و چندگانگی در آن راه ندارد، و این هستی ناب و تفکر در ژرفای هستی یگانه همانا هستی خداست. همچنین/ استرآبادی در کتاب خود به ژرفای هستی رسوخ می‌کند و معتقد است این دنیا سرای آسودگی و قرار نیست و باید دوگانگی را رها کرد و به حقیقت اصلی رسید؛ باید تعلقات رنگین این دنیا را فنا کرد و به سعادت رسید.

ب. اخلاق و پند و اندرز

یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین مضامین در همه دوره‌های ادبیات فارسی پند و اندرز و نکات عبرت انگیز است. نفوذ آموزه‌های دینی و شیوع عرفان بر رواج اینگونه معانی و کثرت آثاری که شامل دستورهای اخلاقی و نصایح معنوی باشد کمک کرده است، و در واقع باعث پدیدار شدن نوعی از ادبیات که به آن ادبیات تعلیمی می‌گویند شده است.

«ادبیات تعلیمی از قدیمی‌ترین انواع ادبی است که به بیان مسائل اخلاقی و پند و اندرز می‌پردازد. این نوع ادبی دانشی را برای خواننده تشریح می‌کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی، و فلسفی را به شکل ادبی عرضه می‌دارد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷) و در واقع «ماهیت اصلی ادب تعلیمی نیکی (خیر)، حقیقت و زیبایی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۸۱) و در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز و حکمت و... است (داد، ۱۳۸۵: ۲۰؛ میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۹).

در نسخه «حق الیقین» یکی به دلیل گرایش‌های مذهبی شاعر و دیگر به سبب ورود بیش از پیش اصطلاحات عرفانی در نسخه نکات اخلاقی و پند و اندرز گسترش و تنوع قابل ملاحظه‌ای دارد. نسخه «حق الیقین» را به دلیل وجود مسائل اخلاقی و پند و اندرزهای فراوانی که در متن کتاب وجود دارد می‌توان در شاخه‌ای از ادبیات تعلیمی نیز جای داد، و مهم‌ترین و برجسته‌ترین شاخه در ادبیات تعلیمی فارسی آثار متأثر از قرآن و حدیث و منابع اسلامی دیگر چون نهج البلاغه است که «حق الیقین» در این زمینه می‌تواند از برجسته‌ترین کتب زمان خود باشد چون جای جای کتاب از آیات و احادیث و روایت‌های اسلامی سرشار است، و *استرآبادی* با بیان اندیشه‌های دینی خود که شامل مسائل تفسیری، قرآن، حدیث، روایت و ادعیه و... است تبحر بسیاری در این زمینه از خود نشان داده است.

نتیجه بحث

ارزش نخست نسخه «حق الیقین» در منحصر بودن آن است و دیگر اینکه این اثر از آثار مشابه پیش از خود مطالب اصیل و مستندی نقل کرده است و این دو ارزش دارد: یکی آنکه ما از اصیل بودن آن آثار اطمینان حاصل می‌کنیم و دیگر اینکه مطمئن می‌شویم که این اثر نیز اصیل است و واقعاً به دست فردی عالم تألیف شده است. آنچه که در نگاه نخست در «حق الیقین» خودنمایی می‌کند نثر مرسل آن است؛ خالی بودن کتاب از آثار تصنع و تکلف بسیار جلب توجه می‌کند، جملات و عبارات بسیار موجز و مختصر و تنها برای انتقال مفاهیم به کار می‌روند، و این ایجاز و اختصار هنگام نقل

حکایات به اوج خود می‌رسد. تأویل عرفانی آیات قرآنی و احادیث نبوی، و کاربرد زیاد تلمیح بیان‌گر تعمق بسیار کاتب در مباحث دینی و احادیث و اخبار تاریخ اسلام و قصص انبیا است. همچنین به دلیل گرایش‌های مذهبی کاتب و به سبب ورود بیش از پیش اصطلاحات عرفانی به کتاب نکات اخلاقی و پند و اندرز گسترش و تنوع قابل ملاحظه‌ای دارد به گونه‌ای که می‌توان گفت یک کتاب اخلاقی تعلیمی است. مؤلف این کتاب را مشتمل بر چندین باب در مباحث عرفانی و اخلاقی نوشته است. مباحث مهم کتاب را موضوعاتی چون مراتب جهل، یقین، شرک، توحید، صلح رحم و... در بر گرفته است و در ابتدای ابواب و فصول به تعریف اصطلاح مورد نظر پرداخته است.

با بررسی‌های انجام‌شده در دستگاه‌های آوایی و واژگانی نحوی و بلاغی به این نتیجه می‌رسیم که *استرآبادی* بیش‌تر در صدد بیان مضمون بوده است تا درگیر شدن در فنون نویسندگی، و در واقع کتاب از مسائل ادبی عاری است. جز در مواردی اندک به فراخور متن از مسائل ادبی استفاده کرده است و تعمدی در اظهار فضل و دشوار نویسی در آن دیده نمی‌شود. نویسنده به شیوایی و سلاست تمام معانی و مفهومی مورد نظر را به خواننده پیش‌کش می‌کند. می‌توان گفت سادگی و بی‌پیرایگی متن بزرگ‌ترین خصیصه سبکی «حق الیقین» است. مؤلف حکایات و اشعار و ضرب‌المثل‌هایی را از منابع مختلف فراخور مضمون متن به نسخه اضافه کرده که به زیبایی و رسایی بیش‌تر مطلب افزوده است. بسامد استفاده از لغات عربی در متن بسیار بالاست تا جایی که نویسنده حتی در مواردی که به راحتی می‌تواند از واژه‌های فارسی استفاده کند بکارگیری لغات عربی را ترجیح می‌دهد. در باب مسائل فکری حاکم بر کتاب نیز می‌توان گفت که نسخه یک کتاب تعلیمی عرفانی است که مؤلف برای اینکه مردم جامعه را از گمراهی نجات دهد به توضیح و تفسیر مسائل اخلاقی پرداخته است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آرین پور، یحیی. ۱۳۸۷ش، از صبا تا نیما؛ تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، تهران: زوار.
- بهار، محمد تقی. ۱۳۷۰ش، سبک شناسی، تهران: امیر کبیر.
- تهرانی، آقا بزرگ. ۱۳۶۹ش، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، به کوشش علینقی منزوی، تهران: خیام.
- تهرانی، آقا بزرگ. ۱۳۷۸ش، مصفی المقال، تهران: خیام.
- تهرانی، آقابزرگ. ۱۳۶۹، دائرة المعارف تشیع، تهران: نشر مؤسسه دائرة المعارف تشیع.
- حبیب آبادی، محمدعلی. ۱۳۶۴ش، مکارم الآثار، اصفهان: نفایس مخطوطات اصفهان.
- حق شناس، علی محمد. ۱۳۷۶ش، آواشناسی (فونتیک)، تهران: نقش جهان.
- داد، سیما. ۱۳۸۵ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی اروپایی، تهران: مروارید.
- سجادی، سید جعفر. ۱۳۹۳ش، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: طهوری.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۲ش، انواع ادبی و شعر فارسی، رشد آموزش ادب فارسی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۳ش، انواع ادبی، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۷ش، بیان، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.
- کاکایی، قاسم. ۱۳۸۱ش، وحدت وجود به روایت ابن عربی و اکهارت، تهران: انتشارات هرمس.
- کرمانی، محمد بن علی ناظم الاسلام. ۱۳۶۲ش، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مدرسی تبریزی، آقا میرزا محمدعلی. ۱۳۷۴ش، ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب یا کنی والقاب، تهران: خیام.
- مشکوة الدینی، مهدی. ۱۳۸۴ش، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- منزوی، احمد. ۱۳۴۹ش، فهرست نسخه‌های خطی، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی ایران.
- میرصادقی، میمنت. ۱۳۸۵ش، واژه نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.
- همایی، جلال الدین. ۱۳۷۳ش، معانی و بیان، تهران: نشر هما.

مقالات

- فریدی، مریم و مهدی تدین. ۱۳۹۲، «از فنا تا وحدت در اندیشه مولانا و ابن فارض»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۷-۲۹.

یلمه‌ها، احمد رضا. ۱۳۹۵ش، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور آن در ایران»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره بیست و نهم.

Bibliography

The Holy Quran.

Arianpour, Yahya, (2008), From Saba to Nima: 150 Years History of Persian Literature, Tehran: Zavvar.

Bahar, Mohammad Taghi, (1991), Sabk Shenasi (Methodology), Tehran: Amir Kabir.

Dad, Sima, (2006), Dictionary of Literary Terms, Glossary of Persian – European Languages Concepts and Expressions, Tehran: Morvarid.

Faridi, Maryam and Mahdi Tadayon, (2013), From Annihilation in God to Unity in the Thoughts of Maulana and Ibn Farid, Journal of Comparative Literature Studies, Vol. 7, No. 27, Pages 7-29.

Habib Abadi, Muhammad Ali (1985), Makarim Al-Athar, Isfahan: Nafayes Makhtootat Isfahan (Isfahan's Treasury of Manuscripts).

Haqshenas, Ali Mohammad, (1997), Phonetics, Tehran: Naqshe Jahan.

Homaee, Jalal al-Din, (1994), Rhetoric, Tehran: Homa Publishing.

Kakaei, Qasem, (2002), Unity of Being by Ibn Arabi and Eckhart, Tehran: Hermes Publications.

Kermani, Muhammad ibn Ali Nazem al-Islam (1983), Iranian Awakening History, By: Ali Akbar Saeedi Sirjani, Tehran: Iranian Culture Foundation.

Meshkatoddini, Mahdi, (2005), Persian Grammar, Tehran: SAMT Publication.

Mirasadeghi, Meymanat, (2006), Dictionary of Poetry Art, Tehran: Mahnaz Book.

Modarresi Tabrizi, Aqa Mirza Mohammad Ali, (1995), Rayhānat al-adab fi tarājim al-ma'rufin bi l-kunya aw al-laqab or kuna wa alqāb, and Tehran: Khayyam.

Monzavi, Ahmad, (1970), List of Manuscripts, Tehran: Society for Cultural Works and Dignitaries.

Sajjadi, Seyyed Ja'far, (۲۰۱۴), Dictionary of Mystical Terms and Expressions, Tehran: Tahuri.

Shafiei Kadkani, Mohammad Reza, (1993), Persian Literature and Poetry, Development of Persian Literature Education, Eighth Year, No. 32.

Shamisa, Sirus, (2004), Literary Genre, Tehran: Ferdows.

Shamisa, Sirus, (2008), Rhetoric, Third Edition, Tehran: Mitra Publishing.

Tehrani, Agha Bozorg, (1990), Al-Zari'a ila Tasanif al-Shi'a, Edited by Alinaghi Monzavi, Tehran: Khayyam Publication.

Tehrani, Agha Bozorg, (1990), Shia Encyclopedia, Tehran: Shia Encyclopedia Institute Publication.

Tehrani, Aqaba, (1999), Masfa al-Maqal, Tehran: Khayyam.

Yalmeha Ahmad Reza, (2016), A Study of the Origins of the Educational Poetic Literature and its Evolution in Iran, Research Papers on Educational Literature, Eighth, No. 29.

Introducing the Manuscript of Reality of Certainty by Astarabadi and its stylistic Manner

Roya Amirpoor: PhD Candidate, Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Dehaqan Branch

Maryam Mahmoudi: Associate Professor, Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Dehaqan Branch

Abstract

“Reality of Certainty” (Haq al-Yaqin) is one of the most famous works of Astarabadi (d. 1316), in which includes the principles of religion in addition to moral issues and has been categorized in the mystical literature of the Qajar era. The importance of “Reality of Certainty” as a manuscript is due to the fact that only one unique version is available. It is hoped that this research will pave the way for further research for the author, who, in addition to being a high-ranking religious official, is one of the great scholars in the field of meaning and mysticism. Considering that the mentioned book has not been corrected yet, its introduction may identify another literary figure in the thirteenth century. The author of the present research initially introduces the manuscript of "Haq al-Yaqin" and its calligraphic features and follows by introducing stylistic features of this work in three linguistic, intellectual and rhetorical structures.

Keywords: manuscript, “Reality of Certainty”, Astarabadi, stylistic.